ا

مهدی موعود یا مهدی موهوم؟

**نگاهى به عمود خیمه‌ی خرافات روحانیت شیعه و بررسی پاسخ‌هاى آقاى منتظرى به پرسش‌هاى آقاى دکتر مسعود امید در مورد امام زمان**

**تأليف:  
دكتر عبدالرحيم ملازاده**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | مهدی موعود یا مهدی موهوم؟ | | | | |
| **تألیف:** | دکتر عبدالرحیم ملازاده | | | | |
| **مترجم:** |  | | | | |
| **موضوع:** | عقاید کلام – بررسی عقاید مذهبی شیعه (زیارت قبور، شفاعت...) | | | | |
| **نوبت انتشار:** | اول (کاغذی)/(دیجیتال) | | | | |
| **تاریخ انتشار:** | آبان (عقرب) 1394شمسی، 1436 هجری | | | | |
| **منبع:** |  | | | | |
|  |  | | | | |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.**  **www.aqeedeh.com** | | | | |  |
| **ایمیل:** | | **book@aqeedeh.com** | | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv  www.mowahed.com | | |  | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  [www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)  www.sadaislam.com | |
|  | | |  | | |
|  | | | | | |
| contact@mowahedin.com | | | | | |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[فهرست مطالب ‌أ](#_Toc428882167)

[مقدمه 1](#_Toc428882168)

[ترديد در فرضيه‌ی امام زمان وتفاوت بزرگ آن با مهدى موعود 2](#_Toc428882169)

[مسيح منتظر وموعود يهوديان! 7](#_Toc428882170)

[محاكمه وقصاص همه‌ی ملت ها بخاطر يهود واستعباد آن‌ها 9](#_Toc428882171)

[روش حكومت مسيح مزعوم يهود 10](#_Toc428882172)

[امام زمان وتشابه آن با مسيح مزعوم يهود 10](#_Toc428882173)

[امام زمان خدارا با زبان عبرى می‌خواند! 11](#_Toc428882174)

[قيام قائم وجمع نمودن شيعيان از همه جا!! 11](#_Toc428882175)

[امام زمان وشكنجه‌ی مردگان وتخريب مسجدالرسول! 12](#_Toc428882176)

[امام زمان وقتل اعراب مخصوصا قتل قريش 13](#_Toc428882177)

[امام زمان وكشتن دو سوم بشر! 13](#_Toc428882178)

[امام زمان مزعوم وتخريب خانه‌ی كعبه ومسجد الحرام ومسجد النبى 14](#_Toc428882179)

[امام زمان ودعوت به كتابى نو ودينى نو وحمكى جديد 14](#_Toc428882180)

[قيام امام زمان با تابوت يهود! 15](#_Toc428882181)

[چشمه هاى شير وآب خيالى براى امام زمان خيالى وسنگ موسى! 15](#_Toc428882182)

[امام زمان وحكم آل داود 16](#_Toc428882183)

[تفاوت عميق بين مهدى موعود وامام زمان ساختگى 16](#_Toc428882184)

[تشابهات رفتار و كردارمسيح مزعوم يهود و امام زمان اماميه 21](#_Toc428882185)

[رد بر مسيح دجال يهود 23](#_Toc428882186)

[رد بر باوراماميه در مورد امام زمان 25](#_Toc428882187)

[أولا: عدم ثبوت ولادت ايين امام زمان 25](#_Toc428882188)

[دوم: بيهودگى غيبت اين مهدى مزعوم 30](#_Toc428882189)

[سوم: هيچ منفعتى از وراء اين موهوم صورت نگرفته است 32](#_Toc428882190)

[چهارم: چرا روحانيت اماميه اين دروغ خطرناک را ساخته و ولادت اين معدوم را جعل كردند؟ 34](#_Toc428882191)

مقدمه

از آنجائی که نقد مبادى روحانیت در واقع نقد تمام خرافاتى است که به نام دین مبین اسلام درجامعه‌ی ما وجود دارد، و نقد و زدودن آن نه اینکه پاسخى مثبت به در خواست آقاى امید می‌باشد بلکه خدمتى شایان به دین وروشنگرى مهمى در میان متدینین هم هست ، لذا اینجانب می‌خواهم به ریشه‌ی تاریخى یکى از این پاسخ‌ها میروم که در واقع عمود خیمه‌ی خرافات بوده و بررسى علمى و قرآنى آن در واقع همه‌ی خیمه‌ی خرافات را برچیده وپرده داران این افسانه هارا نیز از سلاحى خلع ید می‌کند که به نام آن بر آراء مردم وبر جامعه حکومت کرده ودمار از روزگار مردم در آورده‌اند، ولهذا بى‌مناسبت نیست که این پاسخ‌ها با میزان علمى بحث و بررسى اسناد تاریخى و عقیدتى که در میان مسلمین رایج بوده سنجیده شود تا حقیت داشتن ویا توطئه‌بودن و ویرانگرى آن روشن شود، که از قدیم این دستور طلایى براى قبول خبر  رایج بوده است که «اذا كنت مدعيا فالدليل واذا كنت ناقلا فالصحة» که اگر مدعى چیزى هستى دلیلت را نشان بده و اگر ناقل آن هستى صحت سند ودرستى روایتت را ثابت کن، وپر واضح است که هر مسلمانى باید معتقدات دینى خود را از کتاب آسمانى خود قرآن که تنها حجت الهى برزمین است أخذ نماید چون هدایت الهى منحصر به قرآن است، ولهذا خداوند قرآن را هادى وراهنماى مسلمین قرار داده است، و می‌فرماید: ﴿قُلۡ إِنَّ هُدَى ٱللَّهِ هُوَ ٱلۡهُدَىٰۗ﴾ [البقرة: 120].**[[1]](#footnote-1)** یعنى هدایت فقط هدایت خداوند است  وخود حضرت پیامبر نیز از آن پیروى می‌کرده است ﴿إِنۡ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰٓ إِلَيَّۚ...﴾. ﴿قُلۡ إِنَّمَآ أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰٓ إِلَيَّ مِن رَّبِّيۚ﴾[[2]](#footnote-2) واز آنجا که بعد از انبیاء کسى بر مردم حجت نیست، در قرآن هیچ خبرى از امام زمان نیست مگر بزور تحریف آیات وتأویل آن بروش باطنیه که در واقع جنگ با قرآن است ، واما آنچه در اخبار آحاد راجع به مهدى موعود آمده است هیچ ارتباطى با امام زمان مزعوم روحانیت شیعه که آنرا آلت دست خود جهت تضلیل مقلدانش قرار داده است ندارد، بلکه راجع به مصلحى[[3]](#footnote-3) است که از ذریه‌ی حضرت رسول خواهد بود، که به دین رسول اکرم عمل خواهد کرد نه اینکه دین تازه بیاورد آنچنانکه کتب امامیه مدعى آنست که مفصلا خواهد آمد،

ترديد در فرضيه‌ی امام زمان وتفاوت بزرگ آن با مهدى موعود

آقاى منتظرى می‌گوید که :"اصل وجود امام زمان مورد تردید نبوده تا بخواهیم از راه نواب چهارگانه آن را اثبات نمائیم، علاوه براینکه بوسیله‌ی براهینى که دلالت می‌کند برلزوم امامت عامه[[4]](#footnote-4) در همه اعصار و زمان‌ها به اثبات می‌رسد بوسیله‌ی اخبار متواتره که از پیامبر اکرم وائمه‌ی معصومین[[5]](#footnote-5) علیهم السلام نقل شده واز طریق فریقین روایت شده است وبه اثبات می‌رسد، وبیش از سه هزار حدیث[[6]](#footnote-6) از طرق شیعه وسنى در باره‌ی آنحضرت در دسترس است به گونه‌ای که اجمالا در حد تواتر است وموجب قطع ویقین مى باشد، شما می‌توانید در این زمینه به صحیح مسلم وسند احمد بن حنبل وجامع الوصول وکنزالعمان[[7]](#footnote-7) وسنن ابن ماجه از کتب اهل سنت وغیبت نعمانى، غیبى شیخ طوسى، کمال الدین صدوق وبحار مجلسى از کتب شیعه مراجعه فرمایید.."

من نمی‌دانم که این سخن‌ها را آقاى منتظرى از سر تقیه و تلبیس وتدلیس گفته است؟  ویا واقعا از آراء واندیشه‌ی دیگران بى خبر است؟ اما در مورد تردید بر امام زمان همین کافى است که در هیچ مذهبى اصولا پذیرفته نیست وآنرا خرافه‌ای مضحک بیش نمی‌دانند که  مخصوص امامیه است و همگى متفقند که دست مکر تقیه پیشگان آنرا ساخته وپرداخته است، لیکن از آنجائی که  الآن این نظام بقول بانیش نظام وکشور امام زمان است باید این آراء را جدى گرفت، وقیاس چنین شخصیت موهومى با احادیث مهدى مکرى بیش نیست، وحتى احادیث مهدى را نیز کم نیستند کسانى که نپذیرفته و آن‌ها را رد نموده‌اند، از آنجمله مفتى سابق ورئیس محاکم شرعى قطر شیخ عبدالله بن زید آل محمود تألیفى دارد به نام "لا مهدي ینتظر بعد النبي خیر البشر" بعد از پیامبر خیرالبشر نباید به انتظار مهدى نشست، که در آن می‌گوید سبب نشأت خرافه‌ی مهدى موهوم شیعیان هستند که درهرزمان ومکانى بلبله هایى ایجاد می‌کنند وعوام را میفریبند، واین بر خلاف ادعاء منتظرى است  که می‌گوید احادیث امام زمان در صحیح مسلم و بین فریقین  متفق علیه است، یعنى حتى در میان اهل سنت نیز متفق علیه نیست تا چه برسد بین فریقین، بگذریم از اینکه مهدى موعود اصولا غیر از امام زمان مورد بحث وسؤال وجواب است،  وشیخ عبدالله در کتاب مذکور می‌گوید بعضى از اخبار می‌گوید که مهدى همان منصور دوانیقى است که گویا بنى عباس در جعل ووضع اینگونه احادیث دست داشته‌اند، وبرنامه هاى سیاسى آن‌ها تقاضاى چنین دروغ‌هایى را روشن می‌کند.[[8]](#footnote-8)

اما دانشمندانى که احادیث مهدى –بگذریم از روایات امام زمان که یکى از  بزرگترین وخطرناکترین دروغ‌ها درتاریخ اسلام است- رابطور کلى کذب وجعل دانسته‌اند کم نیستند، مثل دانشمند شهیر و معاصر پاکستانى مولانا ابوالأعلى مودودى ومورخ شهیر اسلام وبنیان گذار علم فلسفه‌ی تاریخ عبدالرحمن ابن خلدون وعلامه ابن القیم شاگرد بزرگ شیخ الاسلام ابن تیمیة وامام شاطبى از ائمه‌ی بزرگ مالکیه وصاحب کتاب  الموافقات در اصول فقه که یکى از وصایاى امام محمد عبده خواندن این کتاب است، وفرید وجدى در دائرة المعارف الاسلامیة ص 8 وامام دار قطنى وامام ذهبى وعلامه محمد رشید رضا وبسیارى دیگر...[[9]](#footnote-9)

آيا با اين همه هر دو ادعاء آقاى منتظرى بيدليل وواهى نيست؟ يكى اتقاق بين فريقين در اين مورد وديگرى يكى دانستن دو موضوع متفاوت يعنى مهدى وفرضيه‌ی ساختگى امام زمان؟

آیا این را واقعا از بى خبرى او دانست یا اینکه بحساب دنیا وخمس وسهم امامى که مقلدان غافل را بدان فریفته ودین ودنیایشان را ویران کرده‌اند، که اگر این فرضیه‌ی ساخته وپرداخته‌ی روحانیت مکار بهم ریخته شود دیگر برایشان نه  بهانه‌ای براى حکومت امام زمانى وولایت فقیهى خواهد ماند،  ونه بهانه‌ای براى استحمار واستغفال دین باوران ساده‌ی مقلد خود که باور کرده‌اند واقعا على آباد هم شهرى است وامام زمان هم شخصیتى حقیقى!!

کتاب صحیح مسلم را که آقاى منتظرى بدان حواله داده است براى بررسى دلیل ایشان مراجعه نمودم نه اینکه مدعاى ایشان در آنجا نیست بلکه حتى یک حدیث هم در مورد مهدى- که بازهم بگویم غیر از امام زمان- هم در آنجا نیامده است وحقیقتا انسان در تعجب می‌ماند که واقعا این از بى خبرى بزرگترین مرجع شیعیان است یا از تدلیس وتلبیس ایشان ، آرى صحیح مسلم مخصوصا در ج 9 –بشرح امام نووى-که علامت هاى قبل از قیامت را ذکر نموده واز فتنه هاى داخلى این امت وفتنه‌ی یاجوج وماجوج وفتح قسطنطینیه وخروج دجال ونزول عیسى بن مریم روایاتى آورده است لیکن چنین امامى اشاره هم نکرده است آيا واقعا اين نقل روايت و احاله دادن  به دروغ روشن چرا؟ اگرچه همچنانکه از کتب امامیه هویداست صفات  این امام زمان با دجال یهود شباهت هاى فراوان دارد که در این مقاله مفصل[[10]](#footnote-10) امقارنه‌ی اعمال آندو خواهد آمد،

واما فرق بزرگ بین مهدى که در بعضى از مصادر درجه‌ی دوم اهل سنت آمده با امام زمان امامیه که ریشه در تلمود یهود دارد چنان واضح است که علماء ومحققان مسلمان از قدیم اینرا روشن نموده‌اند ،

 لیکن این موضوع چون از اصول باورهاى امامیه گشته شاید براى بعضى از هموطنان حق جوى ما این امر پوشیده باشد لذا سعى اینجانب در اینست که که انگشت روى این موضوع گذاشته وتاحد توانایى خودم آنرا روشن نمایم تا کسانى که بخواهند خودرا از سرداب جهل وفریب نجات ندهند حجت تمام شده وروشن شوند،

 بد نیست بدانیم همانطور که توطئه‌ی امامت ووصایت اولین بار درتاریخ اسلام از طرف عبدالله بن سبأ یهودى به ظاهر مسلمان مطرح شد اندیشه‌ی امام زمان نیز آرام آرام ساخته وپرداخته  شده که بازهم دنباله‌ی همان توطئه جهت تخریب اندیشه‌ی اسلامى واز بین بردن قدرت وسلطه‌ی اسلام  بوده است ، پس اجازه بدهید که اجمالا نگاهى به عقیده‌ی مسیح منتظر-موعود-یهودیان نموده وسپس بعد از روشن شدن آن مقارنه‌ای علمى وتاریخى بین آن ومنتظر امامیه نماییم تا ببیننیم که آیا واقعا سه هزار روایت مورد اشاره‌ی آقاى منتظرى مثل سه هزار کلاغ است که با یک کلوخ میرمد یا نه؟ واز آنجائیکه تشابه شدیدى بین دو طر تفکر وباور موجود بین امامیه ویهود در مورد امام زمان ومسیح منتظر وجود دارد ناچارم که ابتدا به بررسى عقیده‌ی مسیح منتظر یهود بپردازم تا روشن شود که باور امام زمان از کجا ریشه گرفته است وتا چه حد اعمال او عینا  به مسیح یهودیان  مشابهت دارد

مسيح منتظر وموعود يهوديان!

یهودیان منتظر مردى از آل دادود[[11]](#footnote-11) هستند که بیاید وبردنیا حکومت کرده  وعزت وعظمت از دست رفته را بدان‌ها باز گرداند،  وبدین سبب بود که به حضرت مسیح علیه السلام اگرچه از نسل حضرت داود بود ایمان نیاوردند، وبنا به ادعاء آن‌ها این مسیح موعود همچنانکه تلمود آن‌ها مدعى است:

* همه‌ی ملل جهان را زير سلطه ودر خدمت يهود در آورده وهمه‌ی  كشورها مطيع آن‌ها خواهند بود**[[12]](#footnote-12)**
* واينكه يهوديان همچنان در جنگ‌هايى سخت با بقيه‌ی ملت‌ها خواهند بود تا مسيح حقيقى آن‌ها قيام كند**[[13]](#footnote-13)**
* وبراين پندار هستند  كه اين مسيح مزعوم بعد از قيام خودش آن‌ها را دربيت المقدس جمع كرده وبرايشان دولتى تشكيل داده ودنيارا از غير از آن‌ها خالى نموده وتا مدتى طولانى مرگ بسراغشان نمی‌آید**[[14]](#footnote-14)**

اما صفات این مسیح –دجال- وروش حکومت او واینکه در عهد او چه کارهایى صورت میگیرد أسفار یهود به روشى نا منظم از آن سخن می‌گوید

يهوديان پراكنده را جمع ميكند

یهودیان تا امروز بر این باور هستند که که وقتیکه مسیح موعودشان قیام می‌کند همه‌ی یهودیان متفرق در دنیارا گرد آورده واز آن‌ها ارتش بزرگى تشکیل داده ومکان اجتماع آن‌ها کوه‌هاى اورشلیم در بیت المقدس خواهد بود![[15]](#footnote-15) واین تجمع حتى شامل مردگان شده واز قبرها بیرون آمده تا به ارتش مزعوم یهود به رهبرى مسیح مزعوم بپیوندند، ودر سفر حزقیال این پندار با تفصیل بیشترى آمده است[[16]](#footnote-16) .

شكنجه‌ی مردگان

به همه‌ی این **مزاعم** اکتفا ننموده بلکه جثه هاى گناهکاران از غیر بنى اسرائیل را در آورده تا تماشاگر عذاب وشکنجه‌ی آن‌ها گردند[[17]](#footnote-17)

محاكمه وقصاص همه‌ی ملت ها بخاطر يهود واستعباد آن‌ها

بنابراین اسطوره هاى ساختگى  که دلیل بر آرزوهاى بافندگان آن‌ها می‌باشد، این مسیح مزعوم بعد از گرد آورى یهود شروع به گرد آورى بقیه‌ی مللى می‌نماید که بنا بزعم آن‌ها ستمى بر یهود روا داشته‌اند تا همه‌ی آن‌ها را محاکمه وقصاص نماید[[18]](#footnote-18)

كشتن دوسوم جهان

واما نتیجه‌ی این محاکمه را سفر زکریا[[19]](#footnote-19) توضیح داده است که مسیح مزعوم یهود در آن روز دو سوم جهان را میکشد وتلمود[[20]](#footnote-20) نیز با تأیید این امر اضافه می‌کند که یهودیان هفت سال تمام اسلحه‌هایى را که غنیمت گرفته‌اند می‌سوزانند، ودر آنوقت است که یهودیان برجهان مسلط شده وبقیه‌ی ملت‌ها بردگان آن‌ها گشته وگوسفندان آن‌ها را میچرانند[[21]](#footnote-21)

ازدياد خيرات وانعام در عهد مسيح مزعوم يهود

در عهد این  مسیح مزعوم بنا بزعم آن‌ها از کوه‌ها جوی‌هاى شیر وعسل واز زمین خمیرتازه ولباس پشمى بیرون می‌آید[[22]](#footnote-22)

روش حكومت مسيح مزعوم يهود

روش وسیاست حکومت او چنین است که درمیان مردم بر اساس دلیل وبینه حکم نمی‌کند بلکه برخلاف همه بشر وحتى انبیاء براساس الهام ومعرفت الهى! محاکمه می‌کند[[23]](#footnote-23)

امام زمان وتشابه آن با مسيح مزعوم يهود

از بارزترین باورهاى امامیه که محور مذهبشان بر آنست ودر اعمال روزمره‌ی زندگیشان حتى از خداوند هم بیشتر مورد استعانت و توجهشان قرار می‌گیرد امام زمانى‌ها اورا مثل خداوند ولایت تکوینى-به قول خمینى- داده وهمه جا حاضر وناظر می‌دانند، ونظام کشور ما بنا به گفته‌ی آقاى خمینى بنام امام زمان درست شده است، آیا وقت آن نرسیده است  که پیروان این افسانه‌ها بخود آمده واز این واقعیت‌هاى سیاسى روزمره تلخ این نظام خرافى وامام زمانى که نتیجه‌ی این معتقدات وباورهاست عبرت بگیرند وخودرا از دام این رندان دین فروش رها سازند،

  آرى این امام زمانى که امامیه مدعى آن بوده و آقاى منتظرى آنرا بنادرست از متواترات بین فریقین می‌داند از پرفتنه ترین أکاذیب تاریخ اسلامى است ومعدومى است که اصلا وجود خارجى نداشته وندارد ونخواهد داشت، وامام حسن عسکرىس که این مزعزم را بدو نسبت می‌دهند به شهادت تاریخ اصلا فرزندى نداشته  وبدین علت بعد از وفاتش میراثش رابین مادر وبرادرش جعفر تقسیم کرده‌اند، که ذکر این مطلب مفصلا خواهد آمد،

این افسانه‌ی ساختگى همراه با دیگر افسانه هاى ضد قرآنى دیگر  که هیچ عقل سالم آن‌ها را نمی‌پذیرد مثل حمل وتولد یک شبه‌ی او ودخول در چاه سرداب در بیش از 1200 سال تا کنون وافسانه هایى که کخصوصا بعد از ظهور او روى خواهد داد همگى نشان  از آرزوها وکینه هاى بافندگان آن دارد، وبزعم آن‌ها او از ذریه امام حسینس می‌باشد که صفت دائم او قتل وکشتار می‌باشد وطوسى چند روایت در این مورد آورده است[[24]](#footnote-24)

امام زمان خدارا با زبان عبرى می‌خواند!

به پندار امامیه وقتی که این امام موهوم قیام می‌کند خدارا با عبرى خوانده ودعایش مستجاب میگردد وخداوند همه‌ی اصحابش را از همه جا برایش جمع می‌کند، نعمانى مدعى است که : وقتیکه که امام زمان اذان می‌گوید خدارا با عبرى خوانده و313 اصحاب  او جمع میشوند ... وبعضى از آن‌ها در شب به رختخواب خود رفته ودر صبح خودرا در مکه می‌بینند!![[25]](#footnote-25)

قيام قائم وجمع نمودن شيعيان از همه جا!!

در بحار مجلسى که دائرة المعارف خرافات می‌باشد آمده که : «والله لوقد قام قائمنا یجمع الله الیه شیعتنا من جمیع البلدان»[[26]](#footnote-26) بخدا قسم وقتى که قائم ما قیام کند خداوند شیعیانش را از همه‌ی شهرها برایش جمع می‌نماید واین اجتماع مخصوص زندگان نیست بلکه مردگان نیزبنا به ادعاء حر عاملى واحسائى[[27]](#footnote-27) به نداء او لبیک خواهند گفت، وحتى ملاباقر مجلسى مکان این اجتماع را نیز کوفه تعیین می‌کند![[28]](#footnote-28)

امام زمان وشكنجه‌ی مردگان وتخريب مسجدالرسول!

بنا به پندار کسانى که این افسانه هاى پر خطررا بافته‌اند اولین کارى که این امام ساختگى انجام می‌دهد اخراج اجساد دو یار وخلیفه‌ی رسول خداص یعنى ابوبکر وعمر –رض- از قبرهایشان بوده که بعد از شکنجه آن‌ها را می‌سوزاند وحتى مسجد را نیز خراب می‌کند[[29]](#footnote-29)-چه کینه‌اى بالاتر از این –ونعمت الله جزائرى به این آرزوى افسانه‌ای مجلسى وروحانیت پیروان او اکتفا ننموده بلکه در ضرورت حکم لعن شیخینب مدعى است که : مولانا امام زمان بعد از اینکه آندورا از قبرهایشان بیرون نموده از همه‌ی ستم هایى که که در دنیا قبل وبعد از آندو رخ داده است از آن دو نفر انتقام میگیرد،! از قتل هابیل وقابیل گرفته تا گناه برادران یوسف که اورا به چاه انداختند و ظلم نمرود که ابراهیم÷ را به آتش انداخت وحتى از گناه آتش پرستان نیز از آند و انتقام میگیرد، وسپس انواع دیگرى از شکنجه‌ها را سرد می‌کند[[30]](#footnote-30)!! وحتى به این هم اکتفا ننموده وبه همسر متوفای رسول خدا ص یعنى ام المؤمنین عایشه را شلاق میزند!![[31]](#footnote-31) خدایا این چه کینه‌هایى است بنان دین اسلام واهل بیت نبوت!

امام زمان وقتل اعراب مخصوصا قتل قريش

این امام ساختگى که گویاى کینه‌ی روحانیت جاعلان آنست به خاطر دین وعقیده نمی‌جنگد بلکه به خاطر تعصب وفرقه گرایى ونژاد می‌جنگد، ولذا مجلسى از ابوعبدالله جعل می‌کند که: "وقتى قائم خروج می‌کند بین او عرب وقریش جز شمشیر نخواهد بود"[[32]](#footnote-32) تا حدى ظلم وستم می‌کند که براى تبریر وتوجیه این ستم‌ها از ابوجعفر جعل کرده‌اند که که گفته است: بسیارى از مردم میگویند که این از آل محمد نیست والا رحم می‌کرد ودوباره حتى اموات نیز بنا به گفته‌ی مفید از شکنجه این منتقم کینه توز امامیه رها نمی‌شوند که پانصد تا پانصدتا یکجا گردن میزند،[[33]](#footnote-33)

جالب اینجاست که حتى تعداد کشته هاى او نیز با کشته هاى مسیح مزعوم یهود برابر می‌باشد

امام زمان وكشتن دو سوم بشر!

احسائى از ابوعبدالله جعل می‌کند که می‌گوید: این کار به اتمام نمیرسد مگر اینکه دوسوم مردم کشته شوند! واز او سؤال می‌شود که بعد از رفتن دوسوم جهان چه می‌ماند؟ می‌گوید که آیا از اینکه شما یک سوم بقیه باشید خشنود نمی‌شوید!؟[[34]](#footnote-34) واین بافته‌ی روحانیت چنان بافته شده است که که بیانگر اعمال دولت‌هاى روحانیت امامیه باشد وچنان قسى القلب وبیرحم  است که حتى مجروحان را کشته واز کسى توبه هم نمی‌پذیرد[[35]](#footnote-35)-یعنى برخلاف صریح نص قرآن وسنت پیامبر- وحتى به ابوجعفر نسبت می‌دهند که می‌گوید: پیامبر در میان امتش با نرمى رفتار کرده است وبا مردم به خوبى وآرامش رفتار نموده است اما قائم با قتل وکشتار عمل می‌کند ودر کتابى که با او می‌باشد آمده: که از کسى توبه نپذیرد وکشتار کند وواى برکسى که با مخالفت نماید[[36]](#footnote-36)

امام زمان مزعوم وتخريب خانه‌ی كعبه ومسجد الحرام ومسجد النبى

این معدوم ساختگى که روحانیت امامیه جهت رسیدن به قدرت آنرا بافته است به این هم اکتفا ننموده بلکه همه‌ی مساجد روى زمین را ویران کرده واز خانه‌ی کعبه ومسجد نبوى آغاز می‌کند بدین بهانه که آن‌ها را به همان اساس اولیه باز گرداند،[[37]](#footnote-37) واز زبان ابوجعفر جعل می‌کند که: وقتى قائم قیام می‌کند به کوفه رفته ودر آنجا چهار مسجد را ویران می‌کند وهیچ مسجدى را که در روى زمین شرف وعزتى داشته باشد رها ننموده وویران می‌کند[[38]](#footnote-38)  

امام زمان ودعوت به كتابى نو ودينى نو وحمكى جديد

نوشته ها وتصریحاتى که در کتب امامیه در مورد این افسانه‌ی ساختگى وجود دارد دلیل بر انسلاخ این امام ساختگى از اسلام می‌باشد چون با دین تازه‌ای خواهد آمد وکتاب دیگرى غیر از قرآن خواهد آورد که شاید این خود آرزوى دیرینه‌ی بافندگان این جعلیات می‌باشد تا شاید بتوانند مردم را فریفته و اسلام را بنام اسلام و آل بیت ویران کنند، نعمانى از ابو جعفر جعل می‌کند که: "قائم قیام می‌کند به دستورى نو وکتابى جدید وحکمى جدید که بر اعراب بسى سختگیر است وبا آن‌ها جز شمشیر نمی‌شناسد وتوبه نمیپذیرد..."[[39]](#footnote-39) وطوسى با تأیید این مطلب از ابوعبدالله جعل می‌کند که : "قائم به امرى غیر از آنچه بوده است قیام می‌کند"[[40]](#footnote-40)

قيام امام زمان با تابوت يهود!

براى اینکه بدانیم که اندیشه‌ی امام زمان واز قبل کل طر تفکر امامت منصوصه که امامیه مدعى آن هستند زابن سبأ یهودى ویهودیان براى محو قدرت اسلام آنرا ساخته وپرداخته اند تا چه حد حتى در جزئیات منشأ یهودى دارد  اینست که امام ساختگى که خدارا با عبرى می‌خواند الان مدعیند که حتى شهرهارا هم با تابوت یهود فتح می‌کند، ومیدانیم که تابوت در میان یهودیان جایگاه مقدسى دارد وبر این باورند که اگر در جنگ‌هایشان تابوت را حمل کنند شکست نخواهند خورد واحسائى در روایتى طولانى کیفیت این فتوحات را با تابوت شرح میدهد که واقعا مضحک است[[41]](#footnote-41)

چشمه هاى شير وآب خيالى براى امام زمان خيالى وسنگ موسى!

این موضوع نیز حدود تأثیر از دجال مسیح را بر اندیشه‌ی امام زمان میرساند که حتى حرف به حرف همان موضوعات مسیح مزعوم یهود تکرار می‌شود، آرى کتب روحانیت امامیه نقل می‌کند که وقت خروج قائم مزعوم در کوفه دو چشمه از آب وشیر برایش جارى میگردد وسنگ موسى را که دوازده چشمه از آن با معجزه‌ی الهى به نص قرآن جارى شده همراه داشته وهر وقت که آب وغذا بخواهد آن سنگ را نصب می‌کند ومجلسى پرده دار این خرافات با آب وتاب این خبر را نقل می‌کند[[42]](#footnote-42)  

امام زمان وحكم آل داود

وقتى این موهوم جعلى بنا به زعم باورمندانش قیام می‌کند به قرآن حکم ننموده بلکه به حکم آل داود امر می‌کند وکلینى از ابوعبدالله جعل می‌کند که: دنیا تمام نمی‌شود تا اینکه مردى از من با حکم آل داود حکومت کند و از دلیل وبینه نمیپرسد.. "وصفار اضافه می‌کند که با حکومت داود وسلیمان حکم می‌کند واز دلیل وبینه نمی‌پرسد[[43]](#footnote-43) ، آیا کسى می‌تواند بپرسد که فرق این موهوم با خلخالى چیست؟! یا اینکه این گرگ زاده از آن گرگ می‌باشد.

تفاوت عميق بين مهدى موعود وامام زمان ساختگى

همچنانکه سابقا در صدر این نوشته اشاره کردم در میان مسلمین مشهور است که مردى مصلح از اهل بیت نبوت بنام مهدى ظهور خواهد کرد که مهمترین ویژگى او طبق احادیث درست وصحیح عبارتست از اینکه: اسمش با اسم پیامبر واسم پدرش با اسم پدر پیامبر صیکى بوده ودین وکتاب جدیدى نیاورده بلکه به سنت پیامبر عمل خواهد کرد بلکه به همه‌ی سنت ها عمل کرده وبدعت هارا محو خواهد نمود ودر آخر زمان دین اسلام را بپاداشته وزمین را که پر از جور و ظلم گشته پر از عدل وداد خواهد نمود وصلیب را شکسته وخنزیر را به قتل خواهد رساند که کنایه از شکست مسیحیت می‌باشد،[[44]](#footnote-44)

که اگر مجموعه‌ی جعلیات روحانیت امامیه را در باره‌ی امام زمان با آنچه که در احادیث صحیحه در باره‌ی مهدى در آخر زمان آمده است مقایسه کنیم تفاوت هاى بسیار فاحشى را مشاهده میکنیم که مبین این مطلب است که چگونه دشمنان اسلام وسبأیه وباطنیه هر موضوعى از موضوعات اسلامى را که اصل واصول درستى داشته تحریف نموده ولباس هاى متعدد از جمله لباس تشیع اهل بیت پوشانده‌اند تا مقبول عام افتد، وعلماء محقق از قدیم الایام تا به امروز به این تفاوت‌ها آگاهى داشته وبه صراحت روشن نموده‌اند که امام زمان ساختگى هیچ ارتباطى با مهدى مورد اشاره در احادیث وروایات صحیح را ندارد، لهذا امام ابن القیم اورا از فرزندان امام حسنس دانسته ودر تعلیل این موضوع می‌گوید که در این نیز سرى وجود دارد، وآن اینکه امام حسن خلافت را به خاطر خداوند ترک نمود ولهذا خداوند مهدى را در ذریه‌ی او گذاشت ، واین سنت الهى است که اگر انسان چیزى را به خاطر او ترک کند خداوند به او وذریه‌ی او بهتر از آنرا نصیب می‌نماید.[[45]](#footnote-45)

وامام ابن كثير نیز بعد از اینکه مهدى را یکى از خلفاء راشدین آینده دانسته می‌گوید او امام زمان مزعوم شيعيان نيست که از چاه سامرا انتظار اورا میکشند، که آن نه حقیقتى دارد ونه اثرى ونه کسى اورا دیده است،[[46]](#footnote-46)وادامه می‌دهد که مهدى از مشرق ظهور می‌کند نه از چاه سرداب در سامرا چنانکه جاهلان می‌پندارند که این یک نوع هذیان وشیطان پرستى بزرگى می‌باشد  چون نه دلیلى دارد ونه برهانى  از کتاب وسنت صحیحه ونه مدرکى از عقل ودانش در این مورد وجود دارد.[[47]](#footnote-47)

امام سفارينى می‌گوید که این زعم وپندار که امام زمان نامش محمد بن حسن عسکرى می‌باشد هذيانى بيش نيست.**[[48]](#footnote-48)**

وشیخ خالد محمد على الحاج بعد از اینکه احادیث صحیح دال بر خروج مهدى را در آخر زمان نقل می‌کند می‌گوید: صفات این مهدى برخلاف مهدى مزعوم شیعه می‌باشد چون نام پدرش با نام پدر پیامبر یکى نیست، بگذریم از اینکه در تاریخ موثق براى امام حسن عسکرى فرزندى وجود ندارد،وهیچ صحت ندارد مختصر اینکه ادعاء شیعیان هیچ سندى نداشته وهیچ عالم معتبرى از آن سخن نگفته است،اما اگر عقل از میدان بدر رود همه چیز ممکن می‌گردد!![[49]](#footnote-49)

دکتر شيخ عبدالمحسن العبَاد رئیس اسبق دانشگاه اسلامى مدینه منوره می‌گوید: احادیث مهدى فراوان است و بعضى‌ها تاحد تواتر آن رفته‌اند... لیکن بطور قطع این حقیقت ثابت هیچ ارتباطى با عقیده‌ی شیعیان ندارد، چون شیعیان منتظر خروج مهدى اى هستند که نامش محمد بن حسن عسکرى از نسل حسینس می‌باشد که این اصلا حقیقت نداشته وموهوم است همچنانکه در حقیقت امامت کسانى که ادعاء امامت آن‌ها می‌کنند نیز حقیقت نداشته جز امام على بن ابیطالب و فرزندش حسنب که آندو ازمعتقدات آن‌ها مبرا می‌باشند،[[50]](#footnote-50) بد نيست كه الان تفاوت هاى مهم بين مهدى وامام زمان ساختگى را روشن نمائيم:

1. نام مهدى در کتب سنت وروایات صحیحه محمد بن عبدالله می‌باشد اما امام زمان موهوم امامیه نامش محمد بن حسن می‌باشد.
2. مهدى راستین از ذریه‌ی امام حسنس می‌باشد  و امامیه مدعى هستند که امام زمان مزعوم از نسل حضرت حسینس می‌باشد.
3. ولادت ومدت عمر مهدى مورد اشاره در کتب سنت مثل بقیه‌ی بشر طبیعى است، ودر هیچ روایت درستى نیامده که در اینمورد از دیگران متفاوت است اما امام زمان مزعوم هم مدت حاملگى وهم ولادت او فقط در یک شب صورت گرفته و در دو و یا پنج  سالگى بنا باختلاف جعلیات در چاه سرداب رفته که الان بیشتر 1250 سال است که در آنجاست که بقول علامه برقعى اگر این حرف درست است برزندگان واجب است که اورا از آنجا نجات دهند!!.
4. مهدى حقیقى مورد اشاره در احادیث براى کمک ونصرت اسلام ومسلمین خواهد آمد ، وبین نژادها تفاوت قائل نمی‌شود اما امام زمان مجعول روحانیت فقط براى کمک آن‌ها خروج کرده واز دیگران وحتى از مردگان انتقام میگیرد وچنان از اعراب ومخصوصا از قریش کراهت داشته که در میان پیروانش از آن‌ها کسى وجود ندارد!! آیا این امام زمان جزئى از توطئه شعوبیه بر علیه اسلام واعراب نیست؟.
5. مهدى راستین یاران پیامبر را گرامى داشته وبرایشان دعاء خیر نموده وبه خط آن‌ها میرود وامهات المؤمنین را نیز دوست داشته وبه نیکى یاد می‌کند اما امام زمان ساخته‌ی روحانیت امامیه نه اینکه بر یاران رسول بغض ورزیده  بلکه  جثه‌هاى آن‌ها را از قبرهایشان بیرون آورده وآتش میزند وحتى امهات المؤمنین را قصاص نموده وعائشه را حد میزند!!.
6. مهدى راستین به سنت جدش عمل نموده تا حدیکه به همه‌ی سنن پیامبر عمل نموده وبا بدعت ها مبازه می‌کند اما امام زمان ساختگى به دین جدیدى دعوت نموده وبه کتاب تازه‌اى غیر از قرآن می‌خواند[[51]](#footnote-51).
7. مهدى راستین مساجد را آباد می‌کند اما امام زمان جعلى مساجد را خراب می‌کند واین تخریب از مسجد الحرام وخانه‌ی کعبه ومسجد النبى آغاز میگردد
8. مهدى راستین به کتاب خدا وسنت رسول او رفتار می‌کند اما امام زمان ساختگى به حکم آل داود-یهود-فرمان میدهد!.
9. مهدى راستین از طرف مشرق ظهور می‌کند اما امام ساختگى از چاه سرداب سر میکشد.
10. مهدى مورد اشاره در احادیث صحیح حقیقتى است ثابت-بنا به ایمان ما به صدق رسول وصدق روایات وارده از او در اینمورد-که مصلحى است از امت محمد، وخداوند اورا تأیید نموده وموفق می‌دارد ودین اسلام کامل است هیچ ربطى به آمدن ونیامدن او ندارد وهنگام آمدن هم چیزى بدین اضافه ویا کم نمی‌کند، اما امام زمان ساختگى امامیه وهمى بیش نیست که نتیجه‌ی کینه به اسلام و استحمار مقلدان عوامى است که از دین جز تقلید کورکورانه چیزى نمی‌فهمند.

تشابهات رفتار و كردارمسيح مزعوم يهود و امام زمان اماميه

محقق وپژوهشگرى که در رفتار وصفات مسیح مزعوم وامام زمان امامیه اندیشه وبررسى می‌نماید تشابهات وتوافقات زیادى را در این دو موهوم مجعول می‌بیند که ثابت می‌کند هردو از یک منبع واز یک کینه  سرچشمه گرفته است، وبنا بر آنچه که سابقا از منابع یهود ومنابع امامیه نقل شد می‌توان نتایج ذیل را با وضوح تمام بدست آورد.

1. مسیح مزعوم یهود بعد از ظهور خودش بنا به زعم آن‌ها همه‌ی یهودیان را که در دنیا پراکنده‌اند در بیت المقدس جمع می‌کند،  وامام زمان مزعوم نیز وقتیکه که زعم امامیه قیام می‌کند همه‌ی شیعیان را جمع نموده ومحل اجتماعشان هم کوفه خواهد بود!.
2. مسیح مزعوم یهود بنا به پندار آن‌ها مرده هارا زنده نموده واز قبرهایشان بپاخاسته وبه ارتش او ملحق میشوند وامام زمان مزعوم نیز مرده هاى شعیان را زنده نموده تا به ارتش او ملحق شوند!.
3. مسیح مزعوم یهود بعد از قیام خودش جثه هاى گناهکاران از قبرهایشان بیرون آورده تا یهودیان نظاره گر شکنجه‌ی آن‌ها شوند، وامام زمان مزعوم نیز بنا به زعم جاعلانش جثه هاى یاران رسول را از قبرهایشان در آورده تا شکنجه نماید!.
4. مسیح مجعول یهود همه‌ی کسانى را که بر یهود ظلم وستمى نموده‌اند محاکمه وقصاص می‌نماید،  وامام زمان مجعول نیز همه‌ی کسانى را که بر شیعیانش ظلم نموده‌اند محاکمه وقصاص می‌نماید.
5. مسیح مجعول یهود دوسوم بشررا می‌کشد وامام زمان مجعول روحانیت امامیه نیز دو سوم بشررا می‌کشد.
6. وقت قیام مسیح مجعول احسام یهودیان تغییر کرده ومثل اعمارشان طولانى می‌گردد،[[52]](#footnote-52) ووقیت قیام قائم مجعول اجسام امامیه نیز تغییر کرده وقدرت هرکدام باندازه‌ی چهل نفر گشته ومردم را زیر دست وپاى خود له می‌کنند!!.[[53]](#footnote-53)
7. در وقت قیام مسیح مزعوم خیرات ونعمت هاى زمین فراوان گشته بنا بزعم آن‌ها از کوه‌ها شیر وعسل جارى میگردد ، واز زمین خمیر مایه ولباس پشمى بیرون میآید! ودر وقت قیام امام زمان مجعول نیز چنین شده ودر کوفه جوى آب وشیر جارى میگردد ،که شیعیانش از آن میخورند،
8. مسیح یهودیان مجعول وموهومى است که وجود نداشته ونخواهد داشت وامام زمان امامیه نیز موهومى است که حقیقت نداشته وهردو آن‌ها از جعلیات روحانیت دو ملت است  که براى استحمار اتباع خویش ساخته‌اند،لیکن این مجعول امامیه  بر دین مسلمانان ضررهاى فراروان داشته است که بنام او فتنه ها بپاخاسته است .

وسبب تأکید ما بر ارتباط این پندار جعلى دلایل ومدارکى است که در کتب امامیه آمده است از آنجمله که امام زمانشان:

1. خدرا با عبر میخواند نه به عربى در صورتى که مدعى هستند او از نسل پیامبر عربى است
2. شهرها را با تابوت یهود فتح می‌کند وسنگ وعصاى موسى همراه اوست ومنَ وسلوى نیز بهمراه دارد!!
3. به حکم آل داود حکم می‌کند نه به حکم قرآن!!
4. آیا همه‌ی این توافقات وتشابهات حرفى در باورها وکردار دلیل بر وحدت منشأ اعتقادى نمی‌باشد.

رد بر مسيح دجال يهود

ادعاء یهود مبنى بر اینکه مسیح موعود مبعوث خواهد شد دروغى بیش نیست، چون مسیحى که بشارت به او در کتبشان آمده همان حضرت عیسى بن مریم÷ می‌باشد که یهودیان به او ایمان نیاورده و کافر گشته واورا متهم به جنون وسحر وارتداد می‌نمایند[[54]](#footnote-54)

صوموئیل/ که از آگاهان به منابع ومصادر دینى یهود می‌باشد می‌گوید که:"انبیاءﻹ راجع به جلالت دین مسیح  برایشان مثال‌ها زده‌اند واینکه جباران مطیع اهل ملتش می‌گردند، از آنجمله اشعیا در نبوت خود می‌گوید که(گرگ وبره باهم می‌چرند وباهم می‌خوابند وگرگ وگاو باهم چریده وشیر مثل گاو کاه خواهد خورد) آن‌ها از این مثال‌ها جز ظاهر آنرا نفهمیده واز معانى عقلى آن غفلت نموده‌اند ولهذا در وقت بعثت عیسى از ایمان به او سر باز زده ومنتظر این بودند که شیر کاه بخورد تا علامت ظهور مسیح درست باشد!"[[55]](#footnote-55)

شيخ الاسلام ابن تيميةمی‌گوید: سه امت -مسلمان ونصارى ویهود- راجع به اخبار مسیح هدایت از نسل داود ومسیح ضلالت متفق می‌باشند واینکه مسیح ضلالت هنوز نیامده وخواهد آمد، وبعد از آن مسلمانان ونصارى بر این اتفاق دارند که مسیح هدایت همان عیسى بن مریم÷ می‌باشد ویهود با اعتراف به اینکه حضرت مسیح از نسل داود است منکر این هستند که مسیح هدایت عیسى بن مریم باشد، ومی‌گویند که مسیحى که بشارت بر او آمده است همه‌ی امت ها به او ایمان خواهند آورد، ومی‌پندارند که مسیح بدین نصرانیت مبعوث گشته که باطل بودن این دین روشن است، ولهذا وقتى که مسیح دجال ظهور می‌کند به او ایمان آورده وهفتاد نفر کلاه پوش ازیهود اصفهان همراه او خواهد بود"[[56]](#footnote-56) وقرآن کریم از حضرت عیسى بن مریم در مقابل افتراءهاى دفاع واو ومادرش را تبرئه نموده است[[57]](#footnote-57) .

وهرچقدر یهود لجاجت نموده و منکر نبوت حضرت عیسى باشند لیکن بعضى از احبار وروحانیون یهود به این حقیقت اعتراف نموده‌اند که موعد معین مسیح تمام شده است وخاخام را و می‌گوید که: موعد مقرر آمدن مسیح از مدت‌هاى طولانى به پایان رسیده است،[[58]](#footnote-58)

رد بر باوراماميه در مورد امام زمان

این باور امامیه در مورد امام زمان از چند جهت باطل وبى اساس می‌باشد.

أولا: عدم ثبوت ولادت ايين امام زمان

حکمت الهى بر این رفته است که امام حسن عسکرى وفات کند واز او فرزندى نماند، واین رسوایى بزرگى براى جاعلان امامت وبافندگان آن بود، چرا که امام مرده وکسى نیست که امام بعد از او گردد، چون بنا به باور آن‌ها چنانکه صدوق مدعى است  بعد از حسن وحسین نباید امامت به برادران منتقل شود!![[59]](#footnote-59) .

وعدم ولادت این مهدى مزعوم حتى در کتب خود امامیه نیز ثابت است، ولهذا در کتب خود روایت می‌کنند که حسن عسکرى بدون اینکه فرزندى بگذارد فوت نمود وخلیفه‌ی عباسى بشدت به این موضوع اهمیت داده قاضیان بزرگ وهمراهان ثقات آن‌ها را مسئول این پیگیرى نمود، که بعد از وفات حسن وتفتیش منازل ثابت شد که هیچ فرزندى نداشته ولهذا ارثش را بین مادر وبرادر او تقسیم نمودند،

کافى این موضوع را در روایتى طولانى از احمد بن عبیدالله بن خاقان آورده که می‌گوید: (...وقتیکه –حسن عسکرى-مریض شد براى پدرم قاصدى فرستاده شد که ابن الرضا مریض شده است فورا سوار شده وبسوى دارالخلافه رفت، سپس با عجله همراه با پنج نفر از کارمندان امیرالمؤمنین باز گشت که همه از ثقات وخواص او بودند که نحریر-خادم- هم درمیان این‌ها بود، به آن‌ها دستور داد که که در منزل حسن مانده ومراقب صحت واخبار او باشند، وبه چند نفر طبیب نیز دستور داده شد که صبح وشب به خانه‌ی او بیایند، بعد از دو سه روز از آن خبر آمد که -حسن-ضعیف شده، به پزشکان دستور داده شد که در خانه‌ی او بمانند و قاضی القضات نیز به مجلس آورده شد ،وبه او دستور داده شد که ده نفررا که از تدین وامانت دارى وپرهیزکارى آن‌ها اطمینان دارد نیز به همراهى خود انتخاب کند، آن‌ها را حاضر نموده وبه خانه‌ی حسن فرستاده ودستور داد که شبانه روز آنجا باشند، همچنان آنجا بودند تا اینکه حسن÷ فوت نمود ووسرمن رأى-سامرا-یکسره ضجه شد، وسلطان افرادى را به خانه‌اش فرستاد واتاق اتاق آنجارا بررسى وتفتیش کردند[[60]](#footnote-60) وهرآنچه آنجا بود مهر وموم کرده وبدنبال آثارفرزندو حاملگى شدند، ودایه هایى آوردند که آثار حاملگى را شناخته وبسوى جاریه ها رفته وبررسى می‌کردند، بعضى ها گفتند که جاریه‌ای وجود دارد که که حامله است اورا در اتاقى قرار داده ونحریر-خادم-وهمراهان او وزنانى راکه همراه او بودند بر آن زن گماشتند، تا اینکه-جسد حسن-را آماده کنند... وبعد از دفن او، سلطان ومردم در صدد بچه شده ودر منازل و اتاق‌ها بفراوانى تفتیش نموده واز تقسیم میراث توقف نمودند، وآنهایى که مواظب ومراقب جاریه‌ای بوند که گمان حاملگى او میرفت همچنان ملازم او بودند تا اینکه عدم حاملگى آن زن ثابت گشت، وهنگامى که حاملگى او باطل شد میراثش را بین مادر وبرادرش جعفر تقسیم نمودند)[[61]](#footnote-61)

این روایت از کتابى که مدعى هستند که به امام زمان نشان داده شده وگفته است که براى شیعیان ما کافى است[[62]](#footnote-62) ثابت می‌کند تولد این مهدى مزعوم از ریشه واساس باطل است ، ومذهب تراشان فرقه باز نمیتوانند این روایت را انکار کنند ویا از آن خرده بگیرند، چون درچندین منابع موثق ومورد اعتماد آن‌ها وارد شده  وبسیارى از بزرگان آن‌ها در حدیث وتفسیر وتاریخ آنرا روایت کرده‌اند که بعضى از آن‌ها نه بعنوان حصر عبارتند از:

1. کافى کلینى همین روایتى که نقل شد  کتاب الحجة ج1ص126
2. مفید در کتاب الارشادص338-339
3. طبرسى در اعلام الورىص 358-359
4. أربلى در کشف الغمة ج2ص408-409
5. مجلسى در جلاء العیون  زیر عنوان :ذکر المهدى وعباس قمى در منتهى الآمال نیز زیر همین عنوان آنرا آورده‌اند،

وأما نوبختى ازعلماء بزرگ امامیه در قرن سوم؟؟؟ که خود در میان این اقول مضطرب ومتعارض ومتناقض گیج است می‌گویدکه بعضى‌ها گفتند: پدرش-حسن- فوت کرد وهیچ اثرى از او نمانده وفرزند ظاهرى از او شناخته نشده،[[63]](#footnote-63) ودیگرانى مدعى شدند که این موهوم دو سال قبل ازوفات حسن یعنى در  بیست سوم رمضان سال 250 هـ  متولد شده![[64]](#footnote-64) ، وبعضى ها مدعى شدند که  هشت ماه بعد از وفات حسن این مزعوم متولد شده[[65]](#footnote-65)، ودیگرانى مدعى شده‌اند که این موهوم در سال 258هـ متولد شده است وبعضى ها سال  را مدعى گشته‌اند256 ،[[66]](#footnote-66)ومدعیان دیگرى ادعاء نموده‌اند که در نصف شعبان سال 255 یعنى پنج سال قبل از وفات حسن متولد شده است،[[67]](#footnote-67) که این ادعاء امروزه به کام رهبران نظام امام زمانى  ایران جور آمده وهرساله بدین مناسبت جشن گرفته وشهرها چراغانى ومزین نموده وملیون‌ها مصرف نموده تا از مقلدین عوام بیشتر سوارى بگیرند،

وحتى در اسم جاریه‌اى که این ولادت را براو بسته‌اند نیز چنان اختلاف کرده‌اند که دروغ بودن او واضح وآشکار است ، بعضی‌ها مدعى شده‌اند که اسمش نرگس است،[[68]](#footnote-68)  وبعضى‌ها مدعى شده‌اند که اسم آن صقیل یا صیقل است،[[69]](#footnote-69) ومدعیان دیگرى ادعاء نموده‌اند که نامش حکیمه است[[70]](#footnote-70) واقوال دیگى نیز بافته شده است،

 آیا حجت عصر وصاحب زمان که همه‌ی دین باو مرتبط است وهمه‌ی احکام اصلى دین مثل جهاد وحکومت وحتى نماز جمعه را بخاطرش ترک نموده‌اند چنین کسى است که حتى مادرش هم مورد اتفاق نباشد، وبقول بعضی‌ها بنا به گفته‌ی امام ابن حزم امام اندلس که می‌گوید بعضى از آن‌ها مدعى هستند که اسم مادرش سوسن است که مدعیند حکیمه بنت محمد شاهد ولادتش بوده که در هنگام خروج از شکم مادرش قرآن می‌خوانده  که همه‌ی این‌ها هوس می‌باشد وحسن مذکرو اصلا فرزندى نداشته واین اولین حماقت آن‌ها وکلید همه‌ی شروراتشان می‌باشد که خود مهلکه‌اى عظیم می‌باشد،[[71]](#footnote-71)

دانشمند زبردست و شیرمرد پاکستان امام احسان الهى ظهير که اطلاعات رژیم تروریستى وفرقه‌گراى ایران چون از جواب‌دادن به او وتألیفاتش عاجز مانده بود، بوسیله‌ی مزدورانش در حال سخنرانى در پاکستان اورا ترور کرد، در اینمورد می‌گوید: افسانه‌هایى که براى ولادت این مولودى که هرگز متولد نشده وچگونگى ناپدید شدن او از چشم‌هاى خاص وعام ودور ونزدیک وعدم علم اهل بیت واهل منزل وعدم شناخت چنین چیزى بافته‌اند واینکه چگونه به امامت رسیده وچگونه به همه‌ی علوم که از لوازم امامت در نزد قوم است دست یافته همه‌ی این‌ها باعث شده که افسانه ها بافته وبراى اثبات مدعاى خود که ثابت نشده ونشدنى است دروغ‌ها مبالغه انگیز ساخته‌اند که شایسته است نام خرافات بى اساس وبیهوده بر آن‌ها گذاشت که این اکاذیب خود شواهدى است برعلیه خودش ، وسپس نمونه هایى از این روایات بیهوده را بعنوان مثال ذکر کرده است،[[72]](#footnote-72) میپرسد که چطور چنین تولدى از چشم بنى هاشم واز خانواده‌ی علوى مخصوصا از نقیب آن‌ها احمدبن عبدالصمد که به ابن الطومار شهرت داشت ودفترى داشت که ولادت علوى هارا در آن ضبط مینمود مخفى ماند!

ولهذا وقتى که یک خبر یک مدعى امام زمانى! در سال 302 هـ که بدروغ ادعاء نمود که او محمد بن حسن عسکرى است به خلیفه‌ی عباسى المقتدر رسید دستور داد که بزرگان وشیوخ آل ابیطالب را جمع نموده تا موضوع روشن شود، که همگى آن‌ها شهادت دادند که او کذاب است و حسن عسکرى فرزندى نداشته است، واین مدعى تقیه‌ی پیشه‌ی امام زمانى زندانى وتا یکماه در میان مردم شلاق میخورد،[[73]](#footnote-73) واختلاف مدعیان تشیع خودش دلیلى است برعدم ولادت چنین موهومى ولهذا اکثر آن‌ها بعد از یأس از فرزندى براى حسن عسکرى بعد ازاو به امامت دیگران رفته وآراء متعددى بافته‌اند.

دوم: بيهودگى غيبت اين مهدى مزعوم

فرضا که ولادت این مزعوم را بپذیریم، چه معنایى در این اختفاء وپنهان شدن درچاه سرداب وجود دارد وچرا براى مردم ظهور نمی‌کند، واگر از امام زمانى‌هاى سرمست بپرسیم همان جوابى را می‌شنویم که از روحانیان وعلمایشان شنیده شده است که از قدیم در تعلیل آن گفته‌اند، صدوق ازروایت زراره از ابی عبدالله÷ جعل می‌کند که: قائم قبل ازقیام خود غیبتى دارد پرسیدم چرا؟ گفت که از ذبح می‌ترسد"،[[74]](#footnote-74) وطوسى شیخ طائفة در تعلیل همین موضوع می‌گوید: "جز ترس از کشتن چیزى مانع ظهور او نیست..."[[75]](#footnote-75) وشکى نیست که این موضوع تعبدى نیست که فقط تسلیم شویم وایمان بیاوریم واین تعلیل ها همانطور که شیخ احسان الهى ظهیر گفت همدیگررا تکذیب می‌کند، وترس از قتل چنان واهى است که حتى خود بافته هاى امام زمانى‌هاى دو آتشه آنرا رد می‌کند:

1. چون در کتب خودشان آمده که این مزعوم مورد نصرت وتأیید خداوند است ودنیارا پر از عدل وداد خواهد کرد، آیا از یک ترسو مخفى شده این امکان دارد؟ از ابوجعفر نقل کرده‌اند که: قائم منصور به رعب وترس است وبا نصر و پیروزى مؤید می‌باشد، وزمین بایش پیچیده شده وسلطانش به شرق وغرب می‌رسد و....[[76]](#footnote-76) واخبارزیادى در این معنى نقل کرده‌اند، اگر این مزعوم به اخبار وارده از آباء واجدادش اعتقاد دارد یا نه ؟ پس چرا از ذبح وقتل می‌ترسد؟ وانگهى هر عاقلى میتواند بپرسد که چرا ترس از مرگ وقائم شدن در چاه سرداب مادامى که ملائکه پشتیبان او هستند همچنانکه مجلسى مدعى آنست.[[77]](#footnote-77)
2. این گفته‌ی شما که  از کشتن خودش می‌ترسد لازمه‌اش سقوط امامت اوست براى اینکه شما در چندین روایات گفته‌اید که از شروط امامت این است که او از شجاعترین مردم باشد[[78]](#footnote-78) وکسى که از قتل بترسد که اشجع نیست بلکه اجبن است.
3. بنابر این تعلیل شما این مزعوم هرگز نباید ظهور کند تا اینکه دول ظلم وجوراز بین برود وخطر قتل در میان نباشد وآنوقت دیگر نیازى به خروج او نخواهد بود!
4. درتاریخ دولت هاى متعددى بنام این خرافات بنا شده که مثل همین رژیم کنونى ایران بنام امام زمان مقلدان شان را فریفته‌اند واین دولت خرافى خودش نمونه‌ی بارز و زنده‌ای از این  قماش می‌باشد که پابوس امام زمان هستند وحتى آقاى خامنئى براى مکر بیشتر پنجشنبه ها به مسجد چمکران قم رفته که امام زمانش را زیارت کند خوب الان که زمینه این همه مهیا است ومخلصانش  چشم براه جمال او هستند چرا ظهور نمی‌کند دیگر که نه خطر بحى اسن ونه قتلى بلکه چاقوى نائب او بر گردن عاقلانى است که به این چرندیات گردن نمى‌نهند.
5. کسى که از خودش نتواند دفاع کند واز قتل می‌ترسد این آقا چگونه از دیگران دفاع نموده و چگونه از دشمنان شما انتقام می‌گیرد الان بگذریم از اینکه دنیارا را چنین وچنان کند آیا بهتر نیست از اینکه خود را مسخره‌ی عالم کنید، کمى بخود آیید وقرآن را سرمنشأ معتقدات خود نمائید تا از این غل وزنجیرها راحت شوید.

سوم: هيچ منفعتى از وراء اين موهوم صورت نگرفته است

از ادله‌ی بطلان این فرضیه-همچنانکه دکتر مسعود به حق نامیده است-همین است که این امام زمانى که دست وپابوسانش اینهمه برایش سینه چاک می‌کنند هیچ مصلحت دنیوى ویا دینى از این آقا سرنزده است ونه معتقدانش ونه منکرانش هیچ نفعى ازاو ندیده‌اند جزاینکه ضرر فراوان که دین اسلام از اسم این موهوم خورده است.

شيخ الاسلام ابن تيميه می‌گوید: این معصومی که مدعى او هستند، کوچکترین نفعى که ازیک امیر ویا از یک کارمند عادى ویا عالم ویا قاضى سر می‌زند از او سرنزده است ، پس چه فایده‌اى از او اگرتازه موجود هم باشد چطور که او موهومى بیش نیست، وچه لطف ومنفعتى براى دین ویا دنیاى مومنانش دارد ...واین شخصى که رافضیان مدعى او هستند یا کسى است که پیش آن‌ها مفقود و در نزد عقلاء معدوم می‌باشد، وبه هر دو تقدیر هیچ منفعتتى براى کسى نه در دین ونه در دنیا داشته است"[[79]](#footnote-79).

اما غائب شدن این موهوم در این مدت طولانى نه اینکه براى کسى مصلحت دینى ودنیوى درستى نداشته بلکه بهانه‌ای شده است براى شیادان دین فروشى که بسیارى از مهمترین احکام دین را بنام او تعطیل نموده‌اند، براى امامت از اصول دین امام زمانى‌ها بوده وآنرا از ارکان اسلام شمرده‌اند وایمان شخص بنا بزعم آن‌ها جز بامعرفت امام وولایت او درست نیست وپنهان شدن این دوازدهمین مجعول به تعطیل شدن بسیارى از مصالح دینى ودنیوى بقول خودشان گشته است وحتى خمینى امام زمانى نیز بدین اعتراف می‌کند که:"شاید غیبت ازمنه‌ی طولانی بیانجامد..والان احکام اسلامى وقوانین شریعت آیا باید تا زمان ظهور معطل بماند، تا مردم در این مدت طولانى بدون تکلیف مانده ودر شهوت‌هایشان آزاد باشند[[80]](#footnote-80) ومعنى این سخن اینست که شریعت اسلامى براى مدت محدودى بوده است، یعنى فقط براى دوقرن که این از رسواترین نسخ درشریعت است که نه ما ونه هیچ مسلمانى هرگز آنرا نمی‌گوید"[[81]](#footnote-81).

 این سخن آقاى خمینى است اگرچه بعد از آن به تأیل هاى فاسد وکاسد مى‌پردازد، واین خود اعترافى روشن است از او به اینکه نتیجه‌ی غیبت مهدى تعطیل شدن بسیارى از قوانین دین بلکه به رسواترین نسخ انجامیده است، این سخن حقى است که به قول شیخ عبدالله الجمیلى[[82]](#footnote-82) خداوند از دهان این امام زمانى بیرون آورده است تا اینکه حجت را برایشان تمام کند.

چهارم: چرا روحانيت اماميه اين دروغ خطرناک را ساخته و ولادت اين معدوم را جعل كردند؟

امام زمانى‌ها چرا ناچار شده‌اند که این معدوم را موجود جلوه داده واین موهوم را ببافند؟ به خاطر فرار از سؤال‌هاى بى جوابى که جوابى منطقى برایش ندارند،  وبه خاطر خروج از تنگنایى است که علت آن قواعد واصول ولوازمى است که براى اوصاف واحوال وشرائط امام  بافته‌اند،[[83]](#footnote-83) براى اینکه مدعى هستند که امام نمى میرد مگر اینکه وصیت کند وبرایش جانشین وخلفى باشد[[84]](#footnote-84) وشخص بعد از خودش را بداند، و بعد از حسنین جز در اعقاب هم نمی‌تواند باشدوجز در فرزند بزرگتر هم نمی‌تواند باشد، و جسد امام را جز امام هم غسل نمیدهد، وبه اندازه زره‌ی رسول خدا میگردد، وسلاح رسول پیش او میگردد، وامام اعلم واشجع می‌باشد وبافته هاى متعدد دیگر[[85]](#footnote-85) مثل اینکه امام محتلم وجنب نمى شود!!،[[86]](#footnote-86) واینکه امام عالم وآگاه به گذشته وآینده می‌باشد وهیچ چیز بر او مخفى نیست وهمه‌ی کتاب‌هایى که از طرف خداوند نازل شده پیش او بوده  به همه‌ی آن‌ها با زبان‌هاى متفاوت آگاهى وعلم دارد،[[87]](#footnote-87) واینکه امام ختنه شده متولد می‌شود وطاهر ومطهر است واز پشت مثل جلو می‌بیند! وسایه ندارد! وهنگامیکه از شکم مادر برزمین میافتد بر گونه‌هایش برزمین افتاده و باصداى بلند شهادتین می‌گوید! واحتلام نشده وچشمش خوابیده وقلبش نمی‌خوابد وملهم ومحدث می‌باشد و ادرار ومدفوعش دیده نمی‌شود چون زمین موکل است که آنرا ببلعد!! وبویش خوشبوتر از مسک می‌باشد- وبقیه‌ی اوصافی که لازم است انسان عقلش را بکنار گذاشته ودیوانه ویا سفیه تا به آن‌ها معتقد باشد ویا مکار ودجال باشد تا دیگران را استغفال نموده وسوارى بگیرد،- از جمله‌ی این صفات اینکه داراى صحیفه‌ای است که نام شیعیانش تا قیامت در آن بوده وصحیفه‌ی دیگرى که اسماء دشمنانش در آن می‌باشد و وکتب دیگرى بنام جفر بزرگ - سرخ – وجفر کوچک که از پوست بز وبره می‌باشد! که همه‌ی علوم در آن می‌باشد! ومصحف فاطمه نیز همراه اوست، -خوب دیگر چه می‌خواهید  کتبى دیگر هم که دارد وعبرى هم صحبت می‌کند وباز به بهائیان میگویند که چرا دعوى نبوت جدید می‌کنید وبه ختم نبوت قائل نیستید!!- ودر روایت دیگرى می‌گویند که امام-یعنى حتى همینى که در ته چاه سرداب قائم شده- مؤید به روح القدس-یعنى جبریل-می‌باشد وبین او وخداوند ستون نورى وجود دارد که اعمال بندگان را از خلال آن می‌بیند وهر وقت که نیاز به دلیل ویا دلالتى داشته باشد به آن نگاه می‌کند[[88]](#footnote-88) ودر روایت دیگرى مدعى هستند همانطور که کافى مدعى است که اگر زمین بدون امام بماند ذوب می‌شود واگر دونفر در زمین نماند یکى از آن‌ها حجت است![[89]](#footnote-89)

این‌ها اصول وباورهاى اساسى است که بناء امامت کسانى را که مدعى امامتشان گشته‌اند را بر آن بافته وجعل کرده‌اند، ووقتى کع دیده‌اند اکثر کسانى که معتقد به امامتشان هستند این صفات وشروط بر آن‌ها منطبق نمی‌گردد، چون بعضى از آن‌ها مثل موسى الکاظم وحسن عسکرى بزرگترین فرزند پدرش نبوده ویا بعضى دیگررا مثل على بن موسى بن جعفر امامى غسل تکفین نکرده است چراکه فرزندش محمد الجواد در آنوقت بیشتر از هشت سال نداشت، وهمینطور موسى بن جعفر که فرزندش اورا غسل نداد چون در وقت وفاتش غائب بود، وقابل ذکر است که محمد بن الرضا-امام هشتم آن‌ها-در وقت وفاتش در مدینه بود[[90]](#footnote-90) وهمچنان ثابت نشده است که حسین بن على را فرزندش على زین العابدین غسل داده باشد چون در بستر بیمارى بوده ونیز سربازان ابن زیاد از این کار اورا باز داشته‌اند، و بعضعى‌ها زره‌ی رسول خدا بر آن‌ها نیامده چون کوچک بودند مثل محمدبن علىالرضا که در وقت وفات پدرش بیشتر از هشت سال نداشت وهمچنین فرزندش على بن محمد که در وقت وفات او کوچک بود، وبعضى دیگر سلاح رسول خدا در پیش آن‌ها نبوده والا برادرش زید با او مخالفت نمی‌کرد ویا مثل موسى بن جعفر که عبدالله افطح به مخالفت او برخاست[[91]](#footnote-91)  وکسانى دیگر بودند که اعلم نبودند وچطور کودکى اعلم از دیگران می‌شود؟! ولهذا از خود قوم روایاتى نقل شده که کسانى را که به گمان آن‌ها امام بوده‌اند سرپرستى آن‌ها را کسانى دیگر بعهده گرفته‌اند تا اینکه بالغ وراشد گردند، وحتى بزرگان شیعه واکابرشان در علم  جعفر بن باقر تردید نموده‌اند، این زراره بن اعین که از اکابر رواة شیعه است که خود جعفر در باره‌اش براساس روایات قوم گفته است: اگر زراره وامثالش نمی‌بودند احادیث پدرم از بین می‌رفت"[[92]](#footnote-92) این زراره درباره‌ی جعفر وپدرش می‌گوید: خدا پدر جعفر را بیامزد در دلم راجع به او چیزى هست، ودر باره او می‌افزاید که "در باره‌ی سخنان رجال بصیرت ندارد".[[93]](#footnote-93)

ودر باره‌ی علم فرزندش موسى نیز چنین قضاوت نموده‌اند، ابوبصیر مرادیکه که از ارکان اربعه در روایت شیعى است  وبنا به ادعایشان  حضرت جعفربن محمد به او وعده‌ی جنت داده است[[94]](#footnote-94) کشی از ابوبصیر روایت می‌کند که گفته است به گمان من حکم ودر روایتى علم صاحب ما-اشاره به موسى الکاظم می‌باشد- هنوز کامل نیست.[[95]](#footnote-95)

واما شجاعت –که از شروط امامت شمرده‌اند- آنچنانکه شهید احسان[[96]](#footnote-96) می‌گوید بعد از حسین بن على  بر حسب روایات شیعه هیچکدام از آن‌ها بدین صفت مشهور نبوده‌اند، بلکه همه‌ی روایاتشان عکس این را می‌گوید چه اینکه هیچکدام آن‌ها برعلیه حکام وسلاطین قیام نکردند بلکه بعضى از آن‌ها به پیروى وولاء به آن‌ها اعتراف نموده وبعضى از آن‌ها از نصرت ویارى عموزاده هایشان که بر علیه امراء وحکام قیام می‌کردند کوتاهى نموده وکنج سلامت را ترجیح میدادند، وبعضى‌ها با احتیاط رفتار کرده ومردم را به طاعت وولاء حکام دعوت می‌کردند، تمام این گفته ها برحسب روایات خود قوم ، وآنچه را که امام  حسن انجام داد ودرباره او گفته‌اند مشهور ومعروف است مه اورا مذل المؤمنین لقب دادند، وبعضى از آن‌ها هم که نص برجنب و احتلام شدنشان وارد شده مثل على وحسن وحسین وفاطمه[[97]](#footnote-97) واما اگر علم بما کان وبما یکون-گذشته وآینده- درست می‌بود  جواب‌هایشان براى شیعیان مخلصشان متفاوت نمی‌بود همچنانکه نوبختى می‌گوید[[98]](#footnote-98) تازه اگر غیب می‌دانستند برحسب ادعاها و روایات خود قوم کشته ویا مسموم نمی‌شدند چون مدعى هستند که" هیچ امامى نبوده مگر اینکه کشته ویا مسموم شده است"[[99]](#footnote-99) واما سخن گفتن به همه‌ی زبان‌ها افسانه‌اى است که براى خندیدن به ریش وعقل مردم آنرا ساخته‌اند!

 این باورهاى افسانه‌ای ضد قرآنى آقایان امام زمانى‌ها را سخت در تنگنا قرار داده است که هیچ امکان خارج شدن درست آن ممکن نیست مگر به دور انداختن آن‌ها وقبول به حکمیت قرآن که خالى از این خرافات است.

 هنگامى كه براى حسن عسكرى فرزندى نيامد اين‌ها ديدند كه همه‌ی قواعد واصول وبافته هايشان پنبه شد واز بين رفت ومجالى هم براى تاويل وتحريفى كه سابقا انجام ميدادند نماند، اينجا بود كه هيچ راه وچاره‌ای برايشان جز ايجاد معدومى نماند تا در آينده از همه‌ی سؤال‌هايى كه در مورد عدم تطابق آن اوصاف وشروط طويل وعريضى كه براى امامت وعلامت امام درست كرده وبافته بودند، پيش خواهد آمد راحت شوند، وعلاوه براين امامت خود عسكرى هم زير سؤال ميرفت چون علامت‌هاى زيادى بر او صدق نمی‌كرد، بعد از خودش فرزند و جانشينى  نگذاشت، وبعد از خودش به كسى وصيت نكرد، وامامى نيز اورا غسل وتكفين ننمود، وبعد از او زره رسسول بركسى نيامد،  چگونه بر كسى كه وجود نداشته ومعدوم است صفت عالم وشجاع ميتوان داد؟ واخيرا زمين –برطبق مواصفات من در آوردى آن‌ها از حجت خالى شد-وبدون امام ماند ليكن ذوب نگرديد!!

اینجا بود که پریشان وسرگردان شدند وراه وچاهى هم پیدا نکردند چون عدم وجود فرزند براى حسن عسکرى نه اینکه فقط امامت مزعوم اورا پنبه می‌کرد بلکه کل امامت را زیر سؤوال برده وهمه بافته هاى قوم را در معرض خطر قرار میداد، در حالیکه آن‌ها سال‌ها براى این باورها زحمت کشیده واین اصول بى اصول را در میان پیروانشان ریشه دار کرده بودند، اگرچه این اصول وقواعد جعلى آن‌ها در مورد بسیارى از مدعیان امامتشان نادرست در آمده بود لیکن این وضعیت جدید همه‌ی اغالیط و پیشگویى‌هاى آن‌ها راکه آن‌ها ملهم ومحدث  ومعصوم هستند در زیر سؤال برد، ولهذا نوبختى اگرچه شیعه‌ی متعصب ومشهورى است واز اکابر طائفه واز متکلمان وفیلسوفان آن‌ها[[100]](#footnote-100) هم می‌باشد باعبارت صیح وبدون پرده پوشى می‌گوید که شیعیان بعد از موت حسن-عسکرى-متحیر شده وبه آراء گوناگون رفته وبه فرقه‌ها وگروه‌هاى متعددى تقسیم گشته‌اند:

فرقه‌اى بر این رفته‌اند که حسن-عسکرى-نمرده وزنده است لیکن غیبت کرده است وقائم اوست، وعلت این بافته‌ی خلاف واقع اینست که به زعم آن‌ها جایز نیست که بمیرد وفرزند ظاهرى نداشته باشد براى اینکه زمین خالى از حجت نمی‌شود[[101]](#footnote-101)

وفرقه‌ای گفته‌اند که حسن بن على مرده لیکن بعد از آن زنده شده... اگر واقعا فرزندى می‌داشت مرگش صحیح بود ورجعتى! درکار نمى بود،  براى اینکه امامت در خلف او ثابت میشد ولیکن براى کسى وصیت نکرده است،

وفرقه‌ای گفتند که امام ، جعفر است نه حسن چرا که او بدون اینکه فرزندى داشته باشد فوت کرد، وامام نمى‌میرد مگر اینکه وصیت نموده وداراى جانشینى باشد!

واقاویل متعدد ومضحک دیگرى که سرد آن به درازا میانجامد

چنین وقتى بود که به ناچار براى حسن عسکرى فرزندى ساختند، چگونه  امامى که امامتش ووصیتش ثابت شده وامورش بر همین منوال رفته وپیش همگى اینطور مشهور شده است چگونه می‌میرد وجانشینى ندارد؟!

فرقه‌ای از شیعیان در رد بر آن‌ها گفتند که:

حسن اصلا فرزندى نداشته وما این را آزمودیم وهمه جا گشتیم فرزندى نیافتیم اگر جایز باشد که درباره‌ی حسن که بدون فرزند مرده است بگوییم داراى فرزندى است مخفى این ادعء در مورد هر میتى که بدون فرزند فوت کند صدق می‌کند وحتى میتوان در مورد پیامبرص نیز ادعاء نمود که فرزندى بجا گذاشته ویا اینکه ابوالحسن رضا÷ غیر او ابوجعفر سه فرزند بجا گذاشته که یکى از آن‌ها امام است براى اینکه وارد شدن خبر بوفات حسن بدون فرزند مثل این خبر است که پیامبرص مردى از صلب خودش را جانشین نگذاشته است ونه عبدالله بن جعفر پسرى بجا گذاشته است ونه رضا چهار پسر داشته است، پس وجود فرزند بطور کلى باطل شده است،-و بعد از آن این پندار را بافته‌اند –لیکن حاملگى بین او وکنیزش وجود دارد که آن کنیز هروقت که وضع حمل کند فرزندى خواهد آورد که امام  خواهد بود، چون روا نیست که که امام برود و خلف وجانشینى نداشته باشد، چرا که در اینصورت امامت باطل شده وزمین از حجت خالى می‌گردد!!

فرقه‌اى از آن‌ها بر این طایفه ایراد گرفته که مدعیان فرزند بر این‌ها اشکال گرفته‌اند که :شما در موضوعى بر ما منکر گشتید که شبیه آنرا خود گفتید وحتى به این هم قانع نشده تا اینکه چیزى به آن اضافه کردید که عقل منکر آنست، کفتید که حملى وجود دارد اگر شما در طلب فرزند وبحث از او سعى فراروان کردید وآنرا نیافتید ولهذا آنرا انکار نمودید ما بیشتر از آن در شناخت حاملگى سعى وکوشش و اجتهاد نمودیم وآنرا نیافتیم وبحث ما در باره‌ی حاملگى ونیافتن آن راست تر است تا بحث شما چون عقلا وعرفا وعادتا  ممکن است  انسان فرزندى مخفى داشته باشد که ظاهرا شناخته نباشد، لیکن بعدها شناخته شده ونسبش هم درست باشد[[102]](#footnote-102) وموضوعى که شما مدعى آن هستید چنان زشت وشنیع است که عقل هر عاقلى منکر آن می‌باشد وعرف وعادت هم بر خلاف آنست، مخصوصا اینکه روایات زیادى از ائمه صادقین دمده است که حاملگى بیشتر از نه ماه نمی‌تواند باشد واین حاملگى که شما مدعى آن هستید سال‌ها از آن گذشته است وشما همچنان بدون دلیل وبرهانى بر قول خود هستید.

وفرقه‌اى ادعا نمودند که: حسن عسکرى بعد از هشت ماه از وفاتش دارای فرزندى شد، وى نهایى که مدعى فرزند در حیاتش شدند دروغگو می‌باشند وادعایشان باطل است، براى اینکه اگر چنین چیزى رخ می‌داد مخفى نمى ماند لیکن او رفت وفرزند ظاهرى از او شناخته نشد، وحاملگى در گذشته در نزد سلطان ودر نزد مرد ثابت بوده ولهذا از تقسیم میراث اوامتناع نمودند تا اینکه حاملگى بعد از آن درنزد سلطان باطل شده وموضوع حاملگى  برایش مخفى ماند، وبعد از هشت ماه از وفات حسن برایش فرزندى متولد شد ودستور این بود که محمد نامیده شود، وبه او وصیت کرده بود و او از انظار مخفى است ودیده نمی‌شود.

واخیرا فرقه‌ی اثناعشريه که امامیه نامیده میشوند گفتند که: گفته‌ی همه‌ی این‌ها درست نیست چرا که خداوند عزوجل حجتى دارد که فرزند حسن بن على می‌باشد، وامامت بعد از حسن وحسین در میان دو برادر نمی‌گردد، واگر این جایز می‌بود گفته‌ی اصحاب اسماعیل بن جعفر-یعنى اسماعیلیه- ومذهبشان درست می‌بود، وامامت محمدبن جعفر ثابت می‌شد، ونیز جایز نیست که زمین خالى از حجت باشد واگر نه هم زمین وهم آنچه بر آنست ذوب می‌شد.

بنابر این ما معتقد به وفات حسن هستیم و اعتراف می‌کنیم که او فرزندى از صلب خودش دارد که مخفى است ومردم حق ندارند که به آثار کسى بروند که مخفى شده است، ونه ذکر اسمش جایز است ونه سوال از مکان او، بحث از او اصلا جایز نیست وحرام است.[[103]](#footnote-103)

این است حقیقت روشنى که نیاز به ضرورت ایجاد فرزندى براى حسن عسکرى را تقاضا نموده است!! که نیاز به تفسیر وتعلیق ندارد، آیا الان بعد از همه‌ی این ادله ووقایع وقت این نرسیده که امام زمانى‌ها اندکى بخود آمده وقاید وباورهاى خود را بجاى اینکه از داستان‌هاى قهوه‌خانه‌ها ویا روضه‌خوان‌هاى شیاد بگیرند به قرآن مراجعه نموده وهرآنچه را که با آن مخالف است دور بیاندازند؟

1. 1- براى آگاهى بیشتر در این مورد می‌توانید به مقدمه‌ی کتاب (تضاد مفاتيح الجنان با قرآن) تألیف علامه‌ی برقعى مراجعه نمائید که براى اولین بار وآنهم در خارج از ایران در اینترنت گذاشته می‌شود [www.isl.org.uk](http://www.isl.org.uk/) وبه زودی در سایت اهل سنت هم بصورت وورد خواهیم گذاشت. [↑](#footnote-ref-1)
2. - بگو من همانا فقط از آنچه به من وحى می‌شود پیروى می‌کنم [↑](#footnote-ref-2)
3. - در صورتیکه این امام زمان مزعوم همچنانکه در صفحات آینده از خلال اعمال خواهیم دید بزرگترین مفسد تاریخ می‌باشد. [↑](#footnote-ref-3)
4. - این امامت عامه ربطى به امامت افراد معینى ندارد بلکه امامت همگانى ومشترک است یعنى هر مؤمنى حق دارد با کار وکوشش وبنا به استفاده از استعداهاى خدادادیش کاندید امامت ورهبرى گردد ولهذا خداوند به آن‌ها آموخته است که از او تقاضا نمایند که "واجعلنا للمتقين اماما" بارخدایا مارا امام تقوى پیشگان قرار بده [↑](#footnote-ref-4)
5. - بعد از پیامبران وحى قطع شده وکسى نمی‌تواند معصوم باشد وادعاى عصمت بر غیر از پیامبران غلوى بیش نیست وخود حضرت على می‌فرماید من بالا تر از این نیستم که اشتباه وخطا نکنم خطبه‌ی216 نهج البلاغه [↑](#footnote-ref-5)
6. - دروغ که باکثرت روات راست نمی‌گردد واین عوامفریبى همچنان درمیان روحانیون امامیه رواج دارد که براى ترساندن مردم ودرواقع فریب آن‌ها به تعداد روات میافزایند که مثل چهل کلاغ که بایک کلوخ میرمند مگر چند ملیون تهرانى نگفتند که عکس خمینى را در ماه دیدند آیا این دروغ بخاطر کثرت دروغگویان وفریب خوردگان شیطان راست شد؟ [↑](#footnote-ref-6)
7. - اسماء این کتب که احتمالا اشتباهى چاپ شده است عبارتند **از**: مسند احمد نه سند احمد وجامع الأصول نه جامع الوصول وکنزالعمال نه کنزالعمان وغیبة طوسى نه غیبى. [↑](#footnote-ref-7)
8. - لا مهدي ينتظر بعد النبي خير البشر ص 7 [↑](#footnote-ref-8)
9. - مصلح فقید علامه آیة الله ابوالفضل برقعى که هم مدرسه‌ای خمینى بوده واز احفاد امام رضا می‌باشد در اینمورد تألیف مستقلى دارد بنام بررسى علمى در احادیث مهدى که در آن سه جلد کتاب بحار مجلسى را که درمورد امام زمان مزعزم می‌باشد بررسى کرده وضعف آن احادیث را حتى با معیار مذهب امامیه و مخالفت آن‌ها را با قرآن ثابت کرده است که اینجانب این کتاب را به عربى ترجمه کرده‌ام وشاید مثل بقیه‌ی کتب ایشان به غیر از فارسى زودتر چاپ شود چون تمام کتب اصلاحى ایشان در ایران امام زمانى! ممنوع النشر می‌باشد ، می‌توانید به مقدمه‌ی آن کتاب در موارد مذکور مراجعه بفرمایید. [↑](#footnote-ref-9)
10. - منبع اساسى اینجانب در این بحث وبررسى کتاب «بذل المجهود في اثبات مشابهة الرافضة لليهود» تألیف آقاى عبدالله الجمیلى می‌باشد که از ص 227 تا 274 ج 1 بحث مفصلى در اینمورد می‌نماید. [↑](#footnote-ref-10)
11. - سفرزکریا /اصحاح 9 فقره 9و10 سفر اشعیا اصحاح 61 فقره 1و2 [↑](#footnote-ref-11)
12. - همجية التعاليم الصهيونية بولس حنا مسعد ص 57 [↑](#footnote-ref-12)
13. - الكنز المرصود في قواعد التلمود ص 65 د. روهلنج [↑](#footnote-ref-13)
14. - افحام الیهود ص 125 او صاموئیل بن یحیى مغربى که خودش پزشکى یهودى بوده که به اسلام مشرف شده است واین کتاب را در رد بر أکاذیب یهود نوشته است ودر جوانى در مراغه در سال 570 هـ فوت کرده است: ابن ابي صبيعة: عيون الأنباء في طبقات الأطباء ص 471 [↑](#footnote-ref-14)
15. - سفر أشعیا اصحاح 66 فقره 20 و60/1-4 [↑](#footnote-ref-15)
16. - سفر حزقیال اصحاح 37 فقره 9-12 [↑](#footnote-ref-16)
17. - سفر زکریا اصحاح 10 فقره 9-6 وسفر حزقیال اصحاح 66 فقره 24 این نمونه هارا با دقت تمام به خاطر داشته باشیم تا ببینیم که چطور بعدا دوباره در لباس امام زمان ظهور خواهد کرد !!! [↑](#footnote-ref-17)
18. - سفر یوئیل اصحاح 13 فقره 8 [↑](#footnote-ref-18)
19. - سفر زکریا اصحاح 13 فقره 8 [↑](#footnote-ref-19)
20. - الکنز المرصود د. روهلنج ص 65 [↑](#footnote-ref-20)
21. - سفر اشعیا اصحاح 61 فقره 5-6 واصحاح 66 فقره 22 [↑](#footnote-ref-21)
22. - سفر یوئیل اصحاح 3 فقره 18 وسفر اشعیا اصحاح 7 فقره 17-22 والکنز المرصود ص 64 د. روهلنج واسرائیل والتلمود ص 67 ابراهیم خلیل احمد [↑](#footnote-ref-22)
23. - سفر أشعیا اصحاح 11 فقره 2و3 [↑](#footnote-ref-23)
24. - الغیبة طوسى ص 115-116 [↑](#footnote-ref-24)
25. - شاید ان به عبرى اولین علامت یهودى بودن او باشد!! النعمانى : الغیبة ص 169 [↑](#footnote-ref-25)
26. - بحار محمد باقر مجلسى 52/291 [↑](#footnote-ref-26)
27. - الايقاظ من الهجعةحرعاملى ص 249 والرجعة : الاحسائی ص 164 [↑](#footnote-ref-27)
28. - بحار مجلسى 52/318 [↑](#footnote-ref-28)
29. - بحار مجلسى 52/386 ودلائل الامامة: محمد بن جریر بن رستم طبرى ص 242والرجعة: الاخسائی ص186-187 [↑](#footnote-ref-29)
30. - الانوار النعمانية: جزائرى 1/141 [↑](#footnote-ref-30)
31. - الايقاظ من الهجعة: حرعاملى ص 244 وبحار مجلسى 52/314 [↑](#footnote-ref-31)
32. -  بحار مجلسی 52/355 [↑](#footnote-ref-32)
33. - ارشاد مفید ص 364 وبحار مجلسى 52/338 [↑](#footnote-ref-33)
34. - الرجعة احسائى ص 51 [↑](#footnote-ref-34)
35. -  الغیبة نعمانى ص 153 وبحار مجلسى 52/353،خمینى بر خلاف همه مستبدان جهان یک نفر از هزران حکم اعدام را نیز معاف ننمود [↑](#footnote-ref-35)
36. -  دو منبع سابق [↑](#footnote-ref-36)
37. -  الرجعه احسائى ص 184و162 [↑](#footnote-ref-37)
38. -  الارشاد مفید ص 365 وبیخود نیست که مبینیم که رژیم امام زمانى کنونى مساجد اهل سنت **را مثل** مسجد شیخ فیض در مشهد ومسجد کنارک در بلوچستان ومسجد اهل سنت در اهواز ومسجد اهل سنت آبادان ویران نموده است اگرچه به خاطر نفاق وصد چهره‌ای ذاتى وعقیدتى که دارد از خراب کردن مسجد بابرى در هند انتقاد میکند که دولتش از اعمال هندوهاى متعصب از مسلمانان عذر خواهى کرده است [↑](#footnote-ref-38)
39. - الغیبة **از** نعمانى ص 154 و220و167 [↑](#footnote-ref-39)
40. - الغیبة از طوسى ص 283 و153 وبحار مجلسى 52/354 [↑](#footnote-ref-40)
41. - الرجعة احسائى ص 156 [↑](#footnote-ref-41)
42. - بحار مجلسى ص 156 [↑](#footnote-ref-42)
43. - کافى کلینى ص 156 وبصائر الدرجات از صفار ص 278 [↑](#footnote-ref-43)
44. **-** که مجموعه‌ی این روایات را در کتب ذیل می‌توان یافت : سنن ابی داود ، کتاب مهدى 4/473 و475 سنن ترمذى ، کتاب الفتن باب ماجاء في المهدي ومی‌گوید این حدیث صحیح حسن می‌باشد وشیخ آلبانى در مشکاة المصابیح 3/1501(5452) نیز آنرا صحیح میداند ، ولوامع الانصار: 2/73و75 شیخ محمد بن احمد سفارینی [↑](#footnote-ref-44)
45. - المنار المنيف ابن القيم ص 152 [↑](#footnote-ref-45)
46. - الفتن والملاحم ابن كثير 1/24و25 [↑](#footnote-ref-46)
47. - منبع سابق ص 29 [↑](#footnote-ref-47)
48. - لوامع الانوار السفاريني 2/71 [↑](#footnote-ref-48)
49. - الكشاف الفريد عن معاول الهدم ونقائض التوحيد 1/123و124 [↑](#footnote-ref-49)
50. - عقيدة أهل السنة والأثر في المهدي المنتظر: دکتر شیخ عبدالمحسن العباد ص 221 [↑](#footnote-ref-50)
51. - آیا هنوز هم وقت آن نرسیده که حقیقت جویان شیعه به نداى داشمندان ومصلحان خود مثل آیة الله برقعى ود.موسى موسوى وکسرى وآیة الله شریعت سنگلجى وآقاىقلمدران ودانشمند محترم آقاى مصطفى طباطبائى وامثالهم گوش داده واز این آراء واندیشه هاى خرافى ضد اسلامى دست برداشته وبه کتاب خدا وسنت رسول مراجعه نمایند واز دام روحانیت بدر آیند، وبدانند که همه‌ی این اختلافات ساختگى براى هدم اسلام بوده است وفقط نام تشیع وآل بیت بخود گرفته است [↑](#footnote-ref-51)
52. - التلمود وتاریخه: ظفر الاسلام خان ص 60 [↑](#footnote-ref-52)
53. - روضه‌ی کافی ، کلینى 8/241 وبحار مجلسى 52/317 [↑](#footnote-ref-53)
54. **-** الکنز **الرصود د**. روهلنج ص99 [↑](#footnote-ref-54)
55. - إفحام اليهود: صموئیل ص 126-127 [↑](#footnote-ref-55)
56. - الجواب الصحيح لمن بدل دين المسيح: ابن تیمیة 3/324 [↑](#footnote-ref-56)
57. - سوره‌هاى نساء /156 وتحریم /12 وانبیاء/91 وآل عمران /59 وبقره/87 [↑](#footnote-ref-57)
58. - التلمود وتاريخه وتعاليمه:ظفرالاسلام خان ص 59 [↑](#footnote-ref-58)
59. - كمال الدين وتمام النعمة: صدوق ص414 [↑](#footnote-ref-59)
60. - چرا بحث وبررسى وتفتیش منازل مادامی که فرزند حسن چنانکه در جاى دیگر مدعى هستند که از بزگ شده وچرا میراث امام حسن عسکرى بین ورثه‌ی او تقسیم شد بدون اینکه فرزندى در میان باشد [↑](#footnote-ref-60)
61. - کافى کلینى 1/505 [↑](#footnote-ref-61)
62. - البته بعضى از عقلایشان به این دروغ‌ها آگاهى دارند لیکن از ترس روحانیت از یکطرف واز عوام کالأنعام از طرف دیگر سکوت می‌کنند که سربازان مجهول امام زمان ترورشان نکنند، همچنانکه بعضى از استاده هاى دانشگاه الهیات تهران چند سال پیش به اینجانب یواشکى گفتند. [↑](#footnote-ref-62)
63. - فرق الشیعة نوبختى ص 118-119 [↑](#footnote-ref-63)
64. - منتهى الآمال :عباس قمى ، نسخه‌ی فارسى ص1198 [↑](#footnote-ref-64)
65. - فرق الشیعة نوبختى ص126 [↑](#footnote-ref-65)
66. - منتهى الآمال قمى ص ص 198 [↑](#footnote-ref-66)
67. - الارشاد مفید ص 346 اعلام الورى طبرسى ص 419 [↑](#footnote-ref-67)
68. - الارشاد مفید ص 346 [↑](#footnote-ref-68)
69. - کشف الغمة ج3ص227 [↑](#footnote-ref-69)
70. - همان منبع [↑](#footnote-ref-70)
71. - افصل امام ابن حزم ج4ص 181 [↑](#footnote-ref-71)
72. - الشیعة والتشیع احسان الهى ظهیر ص 273-274 [↑](#footnote-ref-72)
73. - تاریخ الطبری ج 13 ص 26-27 حوادث **سال** 302هـ [↑](#footnote-ref-73)
74. - کمال الدین وتمام النعمة ص 481 [↑](#footnote-ref-74)
75. - الغیبةطوسى ص 199 [↑](#footnote-ref-75)
76. - بحار مجلسى 52/191 [↑](#footnote-ref-76)
77. - جلاء العیون مجلسى ص 772 منتهى الآمال قمى ص 1206 روضة الواعظین ج2 ص 259 اعلام الورى طبرسى ص 420 والشيعة والتشيع احسان الهى ظهير ص 279 [↑](#footnote-ref-77)
78. - الانوار النعمانية نعمة الله الجزائرى 1/34 [↑](#footnote-ref-78)
79. - منهاج السنة 8/261-262 [↑](#footnote-ref-79)
80. - الان شخصى که با دختر چهار ساله مقلد احمقش متعه میکند از شهوت‌هاى مردم می‌نالد، آیا این متعه‌اى که شما بنام دین جعل کردید آزادى شهوت‌ها نیست که کسى با زنا بخدا تقرب جوید کدام دین در دنیا با زناى مذهبى به خدا تقرب جسته است جز مذهب شما ومذهب یهود راجع به رسوایى متعه ایشان با دختر چهار ساله نگاه شود به کتاب لله ثم للتاریخ= بخاطر خدا وتاریخ ص 37 که آقاى سید حسین موسوى شاگردم ودوست ومقلد سابق خمینى فضایح جانگدازى را ذکر کرده است که مخصوص ایشان نیست بلکه به همه‌ی روحانیت خصوصا وبه محیط‌هاى دینى امامیه ومذهب عموما باز میگردد، که اگر خدا فرصت دهد بزودى این کتاب را ترجمه کرده ودر اختیار حق جویان هموطنم قرار خواهم داد. [↑](#footnote-ref-80)
81. - الحكومة الاسلامية ص 41و 42 [↑](#footnote-ref-81)
82. - بذل المجهود في اثبات مشابهة الرافضة لليهود عبدالله الجميلى ص274 که این کتاب همچنانکه در آغاز اشاره کردم منبع و اصول افکار این مقاله می‌باشد. [↑](#footnote-ref-82)
83. - اصول افکار این بند از مقاله از کتاب الشيعة والتشيع از احسان الهى ظهیر ص 283-295 گرفته شده است [↑](#footnote-ref-83)
84. - فرق الشیعة از نوبختى ص 123 [↑](#footnote-ref-84)
85. - اصول کافى كتاب الحجة ج1ص و284و277و308 و286و384و379 و389 وعيون اخبار الرضاج 1 ص231 [↑](#footnote-ref-85)
86. - همچنانکه طوسى در کتاب الخصال می‌گوید ج2ص528 وعيون اخبار الرضا ج1ص231 [↑](#footnote-ref-86)
87. - بدون تردید که این‌ها صفات خداوند است وهدف از این غلوهاى کفرآمیز نه دوستى ائمه بلکه هدم اندیشه‌ی وعقیده‌ی اسلامى بنام اسلام بوده است وائمه‌ی اهل بیت از اولین کسانى بودند که این کفرها را انکار نموده بلکه حضرت على کسانى مثل انصار ابن سبا را که بدین اقوال تصریح می‌نمودند می‌سوزاند، الان چنین امرى از ضروریات مذهبى گشته است که بناحق مدعى است مذهب آل بیت می‌باشد براى آگاهى از این غلوهاى ضد اسلامى مراجعه شود به کافى کلینى که مملو از آراء ابن سبأ می‌باشد كتاب الحجة ج1ص227و260 والفصول المهمة از الحر العاملى ص155 [↑](#footnote-ref-87)
88. - کتاب الخصال او قمى ص527-528 آیا این روایت ها وآراء واندیشه‌هاى خرافى ضد قرآنى نیست که عاقلان را از دین رمانده وبکلى بیدین می‌گرداند اگرچه عقل اینست که انسان خرافات را از دین تمییز داده وسره را از ناسره زحق را از باطل تشخیص دهد، نه اینکه علاج بددینى بیدینى باشد که نتیجه‌ی آن پشت پازدن به همه‌ی حقایق دینى باشد که این خود پناه بردن از باران به ناودان است [↑](#footnote-ref-88)
89. - اصول کافى باب ان الارض لاتخلو من حجة ج1ص179 [↑](#footnote-ref-89)
90. - منبع سابق [↑](#footnote-ref-90)
91. - الشيعة والتشيع شهيد احسان الهى ظهير ص 288 وفرقه‌ی فطحیه منسوب به شخص می‌باشد [↑](#footnote-ref-91)
92. - رجال الکشی ص124 [↑](#footnote-ref-92)
93. - رجال الکشی ص 133 و133 در شرح حال زرارة بن اعین [↑](#footnote-ref-93)
94. - رجال الکشی ص152 [↑](#footnote-ref-94)
95. - ایضا ص154 [↑](#footnote-ref-95)
96. - الشيعة والتشيع شهيد احسان الهى ظهير ص289-291 [↑](#footnote-ref-96)
97. - عيون اخبارالرضاج2ص60 [↑](#footnote-ref-97)
98. - فرق الشیعة نوبختى ص80-81 وکلینى هم مثل آنرا روایت کرده است اصول کافى ج1ص65 [↑](#footnote-ref-98)
99. - اصول کافى ج1ص375 وعیون اخبارالرضاج1ص214 [↑](#footnote-ref-99)
100. - مجالس المؤمنین تسترى(شوشترى)ص177 [↑](#footnote-ref-100)
101. - اما اگر هدایت را در قرآن جویا می‌شدند می‌دانستند که حجت الهى کلام اوسست که درمیان مردم است نه معدوم ویا مرده‌اى که اجل او را از میان مردم برده است لیکن همانطور که حضرت على فرموده است هرکسى که هدایت را از غیر قرآن بجوید به گمراهى خواهد رفت. [↑](#footnote-ref-101)
102. - بر خواننده مخفى نیست که همه‌ی این‌ها سفسطه وبازى با الفاظ می‌باشد. [↑](#footnote-ref-102)
103. - این خلاصه‌ی چیزى است که نوبختى در کتاب خودش –فرق الشیعة-ص119 وبعد از آن ذکر کرده است. [↑](#footnote-ref-103)